

هزاره گرایی؛ رویکردها و گونه ها

مهراب صادق نیا^۱
سعید توسلی خواه^۲

چکیده

«هزاره‌گرایی» (Millenarian) به معنی اعتقاد به پایان قریب الوقوع نظام کنونی دنیا و پدیدار شدن حکومتی در غایت خوبی، هماهنگی و عدالت در جهان؛ بر تاریخ، سنت، پدیده شناسی، فلسفه و روان‌شناسی مبتنی است و علاوه بر این که دانشمندان الهیاتی، آن را مورد مطالعه قرار می‌دهند؛ مورد بررسی دانشمندان علوم مختلفی همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، انسان‌شناسی و علوم سیاسی قرار گرفته است؛ چرا که مهم‌ترین شاخصه‌های هزاره‌گرایان، ابتدائاً نارضایتی از وضع موجود است و سپس اعتقاد به وقوع دوره‌ای از جهان که عدالت، صلح و رفاه در آن فراگیر می‌شود. گرچه ریشه این اصطلاح به قبل از دوران باستان بر می‌گردد؛ رشد و توسعه این مفهوم در بستر جهان مسیحیت شکل گرفته است و به حکومت هزار ساله - ملکوت - خداوند بر زمین اشاره دارد.

به طور کلی تحلیل‌ها و گونه‌شناسی‌ها نسبت به هزاره‌گرایی در دو رویکرد «سکولار» و «معنوی» قابل بررسی است که در برخی موارد، به رغم تفاوت در رویکرد، مشابه هستند. این تشابه، گویای این واقعیت است که نوع موعود مورد اعتقاد، بر چگونگی جنبش‌های هزاره‌گرا تاثیر به‌سزایی گذاشته است. غفلت از ریشه‌های ایمانی در تحلیل‌ها باعث انحراف و دوری از نتیجه‌های صحیح خواهد شد. واژگان کلیدی: هزاره‌گرایی، مسیح‌گرایی، جنبش‌های موعودگرا، موعودباوری، منجی‌گرایی.

sadeghniam@yahoo.com

۱. استادیار گروه ادیان ابراهیمی دانشگاه ادیان و مذاهب قم

۲. دانش‌آموخته سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت و دانشجوی دکترای دانشگاه قم «نویسنده مسئول»

stavasoli@yahoo.com

مقدمه

«هزاره‌گرایی» عنوان حوزه گسترده‌ای از مطالعات با رویکردهای مختلف است؛ رویکرد کلامی جامعه‌شناسی، سیاسی اجتماعی و روان‌شناسی که امروزه حجم معتنا بهی از پژوهش‌ها و نوشته‌های علمی بیش از سه هزار پژوهش را به خود مشغول کرده است. با جست‌وجوی ساده واژه‌های millennialism یا milleniarism در فضای مجازی یا در مراکز علمی، صدها مقاله، تحقیق و کتاب در این موضوع ملاحظه می‌گردد. همچنین در این زمینه کنفرانسی در سال ۱۹۶۰ از طرف نشریه مطالعات تطبیقی در جامعه و تاریخ (لاسه ۱۹۵۸) که هنوز فعال‌ترین نشریه در خصوص مطالعات هزاره باوری است؛ برگزار گردید. این کنفرانس موضوع هزاره باوری را دست‌کم تا یک دهه در دستور جلسه قرار داد و دانشمندان را وادار کرد تا سنخ‌شناسی‌هایی طراحی و تمایزات میان انواع فعالیت‌های هزاره باوری را تنظیم کنند.

در سال ۲۰۰۰، دایرة المعارفی تحت همین عنوان به سرپرستی ریچارد لندس، مدیر مرکز مطالعات هزاره دانشگاه بوستون، در نیویورک به چاپ رسیده است. برخلاف تصور اولیه که به نظر می‌رسد این موضوع ابعاد گسترده و جنبه‌های مختلفی نداشته باشد، با مراجعه به این دایرة المعارف، ۱۴۹ مدخل برای این پدیده مشاهده می‌شود.

این اصطلاح درگام نخست، به معنای حکومت هزارساله خداوند در دنیای مسیحیت رواج دارد؛ ولی به تدریج، با گذر زمان، «گستره مفهومی» آن و نیز «گستره جغرافیایی» آن توسعه پیدا کرده است.

در ادامه، مفهوم این اصطلاح با مسئله منجی پیوند خورد و به کسانی اطلاق گردید که به آمدن منجی موعود باور دارند. به این ترتیب، علاوه بر جنبه کلامی و الاهیاتی، جنبه‌های اجتماعی آن مورد مطالعات دانشمندان علوم اجتماعی قرار گرفت. همچنین این اصطلاح از یک مفهوم درون دینی مسیحیت خارج شد و جوامع و ادیان و مذاهب دیگر نیز مورد مطالعه قرار گرفت.

امروزه هزاره‌گرا به گروه‌های آرمانگرایی اطلاق می‌شود که انتظار منجی را می‌کشند تا شرایط نابسامان جهان را تغییر دهد و ریشه ظلم و فساد و تبعیض و فقر را بخشکاند و آرمانشهر انسانی را به ارمغان آورد.



جریان و مکاتب گوناگون؛ حتی انقلاب‌ها و جنبش‌های اجتماعی سیاسی متعددی با این اعتقاد و دیدگاه در جهان پدید آمده است و همچنان ادامه دارد.

۱. پیشینه تاریخی هزاره باوری

۱_۱. قبل از مسیحیت

بسیاری از پژوهشگران دو منبع اصلی برای هزاره‌گرایی بیان می‌کنند: «سنن ایرانشهری مندرج در دین زرتشت» و «یهودیت باستانی». عده‌ای معتقدند قدیمی‌ترین آثار را در این موضوع باید در دین زرتشت جست و جو کرد و حتی وجود این عقیده در یهود را تحت نفوذ پارسیان می‌دانند. در دین زرتشتی دوره ساسانی، آفرینش جهان در دوازده هزار سال انجام می‌گیرد. این دوازده هزار سال، خود به چهار دوره سه هزار ساله تقسیم می‌شود و سرانجام با پایان هزاره دوازدهم، سوشیانس (منعم و نیکوکار) ظهور می‌کند و اهریمن و دیوان را شکست نهایی می‌دهد و فرشگرد جهان صورت می‌پذیرد^۱.

زرتشت قدیمی‌ترین پیامبر هزاره‌ای شناخته شده است. منجی این دین، یعنی سوشیانت هنگام تبدیل صورت ارض ظاهر شده و پیروان خود را برای نبرد نهایی با اهریمن، بسیج می‌کند و جهانی را که مملو از دروغ و بی‌نظمی است، به سوی راستی و نظم رهنمون خواهد کرد.

همه اسطوره‌های کیهانی بین‌النهرین، در گوهر خود، رابطه عمومی میان دین و نظم را بیان می‌کنند و اسطوره هزاره نیز ناظر به عصر طلایی گم شده است که به صورت نوعی اندیشه و سرنمونه^۲ عمومی برای تجدید نظم آغازین در آمده و به عنوان اتوپیا یا دینی انگیزه عمل سیاسی است (arjomand, 1993: p 52).

۱. ر. ک: راشد محصل، ۱۳۸۱: ص ۴۱ به نقل از گزیده‌های زاد سپرم، ف ۳۴، ب ۴۶.

۲. «سرنمونه» را معادلی برای archetype پیشنهاد کرده‌اند. آقای عزت‌الله فولادوند در کتاب «آگاهی و جامعه» می‌نویسد: «قدما این واژه را انموذج الاوائل ترجمه کرده‌اند که برگردان تحت اللفظی یونانی است. به آن طباع اصلی یا مثال روحانی هم گفته شده و در روان‌شناسی یونگ، غرض، ایده یا اندیشه‌ای است که از تجربه مشترک بشر سرچشمه می‌گیرد و جزء ضمیر ناخودآگاه فرد می‌شود».

بنابراین ، مفهوم هزاره به قبل از تاریخ مسیحیت بازگشت کرده و بعد از آن ، بار دیگر می توان ریشه های مفهوم هزاره را در ادبیات مکاشفه ای یهود پیدا کرد .
دانشنامه judiaca ، در خصوص سرچشمه های اندیشه موعودی یهودیت باستان می نویسد :

منجی گرایی در تاریخ یهود مبین آرزوی اعاده پادشاهی و رهبری در بیت داوود (آل داوود) و همچنین ایده آلی سیاسی برای بازگشت به سرزمین کنعان (Erez Yisrael) و نیز تحقق معجزه استخلاص قوم یهود از مصائب و آوارگی ها است .
منجی یهودیان (Hevlei-Mashian) در هنگامه اغتشاشات و قتل عام و بی سامانی این قوم ظهور خواهد کرد و یهودیان همواره با تفسیر متون عهد عتیق ، به خصوص نگره رستاخیزی مندرج در کتاب دانیال برای چنین ظهوری روز شماری می کرده اند .
اساساً تاریخ یهود از زمانی که یهودیان تحت رهبری حضرت موسی علیه السلام از مصر و سلطه قبطیان بریدند و سالیانی چند رنج آوارگی را تحمل کردند و سپس در ارض موعود مستقر شدند ؛ با منجی گرایی آمیخته و این قوم شاهد ده ها جنبش موعودی بوده است .
فکتورهای جریان های هزاره گرا را در ادامه مقاله بررسی خواهیم کرد . در این جا اشاره به دو عامل مهم و کلیدی جریان هزاره گرایی مناسب است : «نارضایتی از وضعیت موجود» و «یوتوپایی همچون ارض موعود» که به وضوح در تاریخ یهود دیده می شود و موعودباوری آنان را با هزاره گرایی پیوند زده است .

۱-۲. پیشینه هزاره باوری در مسیحیت

ریشه های هزاره باوری به قبل از مسیحیت باز می گردد؛ با این حال ، شکل گیری و رواج این اصطلاح در بستر مسیحیت و اعتقادات آن انجام شده ؛ به گونه ای تاریخ این باور در مسیحیت همان بسط و قبض و فراز و فرود این اعتقاد است . به عبارت دیگر ، تاریخ هزاره گرایی در مسیحیت از بُعد الاهیات این موضوع جدا نیست .
حکومت هزار ساله مسیح ، اولین بار در آخرین کتاب عهد جدید ، مکاشفه یوحنا باب بیستم مورد اشاره قرار می گیرد .



اساساً واژه هزاره‌گرایی برخلاف تصور عموم، به ظهور موعود در راس هزاره اشاره ندارد؛ بلکه بر اعتقاد مسیحیت به بازگشت مسیح و حکومت هزارساله ملکوت مبتنی است.

حداقل از قرن دوم میلادی به بعد، مسیحیان به نوعی هزاره‌گرایی متعصبانه معتقد بوده‌اند. مثلاً مونتانیست‌های فریغیه از سال ۱۷۷ میلادی انتظار بازگشت قریب الوقوع مسیح و برپایی نو اورشلیم را می‌کشیده‌اند. حتی باربانت^۱ در کتاب «زمان و ازلیت در اندیشه مسیحی» معتقد است که این اندیشه به قرن اول باز می‌گردد و مثلاً در بعضی کتاب‌های قدیمی، مثل slavonic که بین سال‌های اول تا پنجاه پس از میلاد نوشته شده، آمده است که خداوند زمین را در شش روز خلق کرد و در روز هفتم به استراحت پرداخت و مسیحیان این آیات را طوری تفسیر می‌کردند که عمر جهان شش هزار سال است که با یک دوره هزاره ساله استراحت و آرامش، به پایان خواهد رسید.

در سه قرن نخست میلادی، مشهور به «دوره آبا»، اعتقاد به بازگشت مسیح، حضوری عمیق و پررنگ داشت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ص ۲۳۹).

به لحاظ تاریخی، «گرینتوس غنوصی^۲» که در اواخر قرن نخست میلادی در اوج شهرت بوده، ادعا داشته که عیسی مسیح سلطنت با شکوه خویش را با کمک قدیسانی که رجعت می‌کنند، در زمان ظهور مجددش برپا خواهد کرد (کلباسی اشتری، ص ۱۳۸۸: ۹۲).

قدرت هزاره‌گرایی قرن دوم از این واقعیت آشکار می‌شود که دو تن از مهم‌ترین نویسندگان مسیحی آن عصر، یعنی ژوستین شهید (۱۶۵م) و ایرنائوس (۲۰۰م) از طرفداران سرسخت این باور در ایمان مسیحی بودند.

در اواخر قرن دوم میلادی، مخالفت با هزاره‌باوری بالا گرفت. کایوس کشیش رومی نیز آموزه‌های هزاره‌باوری را سخت مورد انتقاد قرار داد (تیسین، بی‌تا: ص ۳۴۸).

1.F.H. Barbant

2. grinthus (the gnostic)

۲. هزاره‌گرایی در آینه پژوهش

هزاره‌گرایی با کلمه‌های millennialism، millinarianism، millinarianism مترادف است. ریشه این واژه، کلمه لاتین mille به معنای هزاره است. هزاره‌گرایی در ابتدای امر با منشأ دینی و در قالب علم کلام و تاریخ در کتاب‌ها و مطالعات علمی به چشم می‌خورد. از لحاظ تئوری، هزاره‌باوری شاخه‌ای از مباحث فرجام‌شناسی است،^۱ که به چشم انداز سرنوشت جامعه بشری می‌پردازد و به سؤالاتی از این قبیل پاسخ می‌دهد: پایان چگونه خواهد بود؟ آیا انسان در یک فردوس زمینی ارضا خواهد شد؟ آیا بشر در یک سیل‌العم^۲ نابود خواهد شد؟»

از زاویه‌ای دیگر، هزاره‌گرایی نوعی کروئولوژی^۳ وارونه است که از آخرالزمان شروع کرده و وقایع ماقبل آن را با توالی تاریخی بیان می‌کند.

ولی در واقع آنچه این مقوله را از سایر مقولات فکری و اجتماعی متمایز می‌کند، جنبه فرافرنگی و فراتمدنی آن است؛ چرا که به فرهنگ و تمدن خاصی محدود نیست و در اغلب فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری می‌توان نشانه‌های این مقوله را جست و جو و مصادیق آن را به درجات مختلف شناسایی کرد. دایرة المعارف دین، در مدخل هزاره‌گرایی در توضیح و تبیین این پدیده، گروه‌های مختلفی را به مناسبت‌های گوناگون از سراسر جهان ذکر می‌کند: رقص اشباح هندی پلینز در دهه ۱۸۸۰، کنستادوی برزیلی در دهه ۱۹۱۰، نهضت لارازای نیومکزیکو در دهه ۱۹۶۰، نهضت‌های برج ساعت و کیتاوالا در جنوب آفریقای مرکزی از سال ۱۹۰۹، کلیسای لومپای آلیس لِن شینا در زامبیا در دهه ۱۹۶۰، جان سانتوس که در سال ۱۷۴۲ خود را به عنوان آپواینکا، جانشین آخرین اینکا، آناهوالپا معرفی کرد؛ یا ترک‌های آلتایی در ۱۹۰۴ که منتظر بازگشت اوپروت خان و رهایی از سلطه‌ی روس‌ها بودند. این‌ها چند نمونه از نهضت‌های هزاره‌ای است که نام می‌برد.

۱. رجوع شود به دائرة المعارف دین مدخل millenarianism، نوشته Schwartz.

۲. Cataclysm آب بسیار جاری که سد رود را شکسته باشد (لغت نامه دهخدا).

۳. گاه‌نگاری یا کروئولوژی به انگلیسی (Chronology)، به عنوان علمی برای محاسبه زمان یا دوره‌هایی از زمان و اختصاص رخدادها در تاریخ‌های دقیق وقوع آن‌ها تعریف می‌شود.

در عین حال، صورت کامل و منسجم آن را در ادیان و آیین‌ها و به‌ویژه ادیان آسمانی - با تأکید بر ادیان ابراهیمی - می‌توان یافت.

کلیسای کاتولیک رم، اولین بار در قرن شانزدهم، در ضمن تواریخ مربوط به مرتدین و بدعت‌گذاران به جنبش‌های هزاره‌گرا پرداخته است و از سوی دیگر، فرقه‌های هزاره‌گرا در تذکره‌الشهداهای خود به تاریخ‌نگاری دست یازیده‌اند. آثاری در مورد تابوریت‌های بوهمیا^۱ و شورش توماس مونتر در همین قرن نوشته شده است. بعد از انقلاب فرانسه و رواج دائرةالمعارف نویسی، مدخل‌های زیادی به این پدیده اختصاص یافت و بعدها روان‌شناسان بودند که به این پدیده پرداخته، گاه آن را معادل «مالیخولیای جمعی» عنوان کرده‌اند و گاه به عنوان «پدیده‌ای روان‌پیشانه» مورد مطالعه قرار دادند.

انسان‌شناسان نیز با رهیافتی اروپامحور به نوبه خود وارد صحنه شدند و به بررسی جنبش‌های هزاره‌گرا در مناطق پیرامونی و تحت استعمار دست زدند.

از زمانی که ارنست بلوخ در سال ۱۹۲۱ میلادی کتاب «توماس مونتر به مثابه مجتهد انقلاب» را نوشت، تحقیق درباره هزاره‌گرایی خصلتی سیاسی و جامعه‌شناختی به خود گرفت. در اواسط قرن (۱۹۵۷)، نورمن کوهن با کتاب «به دنبال هزاره» این پدیده را در بستر فرهنگ اروپایی مطالعه و اریک هابسباوم (۱۹۵۹) در کتاب «شورش‌های بدوی» آن را در متن فرهنگ دهقانی بررسی کرد.

میرچا الیاده از زاویه اسطوره‌شناختی به این پدیده در کتاب «کیهان و تاریخ، اسطوره - ی بازگشت ازلی» (۱۹۵۴) پرداخت.

لئون فستینگر (۱۹۵۶) در کتاب «هنگامی که پیامبر افول می‌کند»؛ یک تئوری از زاویه روان‌شناسی اجتماعی برای تبیین دوام عقاید هزاره‌گرا تأسیس کرد. از این زمان بود که بسیاری از مجلات علمی، فصولی به این امر اختصاص دادند و بعضی از مجلات جامعه‌شناسی دارای ضمائم به نام پژوهش‌های هزاره‌ای شدند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان از مجله معتبر «تحقیقات تطبیقی در جامعه و تاریخ» نام برد.

سیر تحول اندیشه موعودی نیز از زمینه‌های مورد علاقه پژوهشگران بوده است.

در این خصوص، حق تقدم با مارجوری ریوز و کتاب‌های «نفوذ کهنانت در قرون وسطای متأخر» (۱۹۶۹) و «یواخیم فیوره‌ای و آینده پیامبرانه» (۱۹۷۶) است و به دنبال وی باید از رابرت لرنر و مجموعه مقالاتش تحت عنوان «نبوت قرون وسطایی و انشعاب مذهبی» (۱۹۷۶) و نیز اثر جی آپوکوک، «سیاست، زبان و زمان» (۱۹۷۱) و همچنین اثر تتودور اولسون، «هزاره‌گرایی، ناکجاآبادگرایی و ترقی» (۱۹۸۱) نام برد (حجاریان، ۱۳۷۳: ص ۱۷ و ۱۸).

آنچه امروزه با عنوان هزاره‌گرایی شهرت یافته خود با عناوین دیگری نظیر منجی-گرایی یا مسیحاگرایی، موعودگرایی، آینده‌گرایی، اندیشه‌های آخرالزمانی و آخرت‌شناسی پیوندی وثیق یافته و هنگام طرح مقوله‌ای از مقولات مذکور، خواه ناخواه دیگر مقولات و معانی مرتبط با آن نیز به میدان بحث و تأمل وارد می‌شوند (کلباسی اشتری، ۱۳۸۸: ص ۲۱).

۳. هزاره‌گرایی و رویکردها

طرح‌های تحلیلی نسبت به هزاره‌گرایی در دو رویکرد «سکولار» و «معنوی» قابل بررسی است. علم مدرن، سکولار و این جهانی بوده که هم به لحاظ بنیادهای جهان‌شناسی و هم از نظر ابعاد روش شناختی؛ آزمون‌پذیر و به این جهان متعلق است. این تحلیل، گاه به صراحت، بسیاری از مسائل متافیزیکی را انکار می‌کند و گاه موضوع را به حالت تعلیق می‌گذارد که در این حالت، در تبیین خود، برای ابعاد معنوی جایی قائل نیست و مسئله را به گونه‌ای تبیین می‌کند که به آن نیازی نداشته باشد.

از جمله علوم مدرن که به این موضوع پرداخته‌اند، مطالعات دانشمندان علوم جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، سیاسی و انسان‌شناسی (اغلب با این رویکرد) بوده است. نکته مهم این است که در همه این تحلیل‌ها، تبیین دنیوی مسئله، با نگاه کارکردی غلبه دارد.

۳-۱. رویکردهای سکولار

این رویکرد را می‌توان به دو دسته تقسیم بندی کرد:

۳-۱-۱. نگاه بدبینانه

دسته اول که از اواخر قرن هجدهم به این سو تدوین شده‌اند، (چه روزنامه‌ای، چه دانشگاهی، چه تبلیغی و رسانه‌ای) به این جنبش‌ها نگاه خوش بینانه‌ای نداشته‌اند. آن‌ها جنبش‌های هزاره‌گرا و مواجهه با آن را در قالب تمثیل‌هایی مطرح کرده‌اند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد. با دقت در این تمثیل‌ها دو گونه مواجهه دیده می‌شود:

۳-۱-۱-۱. برخورد ملایم

گونه نخست برخوردی محتاطانه و ملایم را پیشنهاد می‌کند؛ به عنوان نمونه: «هزاره‌گرایی» همچون یک بیماری واگیرداری است که باید قرنطینه شود (مثل برخورد با مورمون‌سیسم در توپا در اواخر دهه ۱۸۰۰)؛ «هزاره‌گرایی» همچون شن روانی است که باید محصور شود (مانند اقدامات قانونی علیه شکرهای آمریکایی در اوایل دهه ۱۸۰۰ و مبارزات امروزی ضد فرقه‌ای علیه کلیسای اتحاد). «هزاره‌گرایی» غذای در حال جوشیدن است که باید مراقب بود سرنرود (مانند نظارت پلیس از گروهی که در اطراف کارین تئوت در پاریس در سال ۱۷۹۳ و ۱۷۹۴ جمع شده بودند).^۱

در این تحلیل‌ها چند نکته قابل توجه است:

اول، این‌که هزاره‌گرایی همچون بیماری یا شن‌های روان است که باعث خرابی و آسیب هستند و ذاتا امری ناخوشایند و خطرناک. دوم، این‌که نباید یا نمی‌توان آن را به یک‌باره نابود کرد، یا از بین برد و بهترین راه مقابله با آن جلوگیری از گسترش و توسعه آن است و با این روش و بر اثر این حصر و کنترل به تدریج این امر از بین می‌رود.

۱. رجوع شود به دائرة المعارف دین، مدخل millenarianism، نوشته Schwartz.

۳-۱-۲. برخورد خشن

گونه دوم برخورد خشن تری را ارائه می‌کند؛ به عنوان نمونه :

«هزاره‌گرایی» همچون کورک یا جوش چرکینی است که باید به آن بیشتر زد. بر اساس این نگرش بود که مدعی پیامبری در بیرسا - از دهکده موندرا در شمال شرقی هند - در سال ۱۸۹۵ توسط انگلستان ربوده شد و یا حبس سیمون کیمبانگو^۱ و اولین طرفدارانش از ۱۹۲۱ تا ۱۹۵۷ توسط دولت بلژیک از نتایج این دیدگاه بود.

«هزاره‌گرایی» طغیان انفجاری است که باید آن را کنترل و سرکوب کرد؛ مانند جنگ آلمان علیه ماجی ماجی^۲ در مستعمره آفریقای شرقی آلمان (تانزانیا امروزی) در سال - های ۱۹۰۵ و ۱۹۰۶ یا ممانعت دولت جامائیکا از موسیقی راستافاریان^۳ و خطابه‌های اول در دو دهه گذشته^۴.

در گونه اخیر دیگر، اولاً هزاره‌گرایی را بیماری مزمن نمی‌داند؛ بلکه بیماری حاد و یا یک انفجار تلقی می‌کند؛ ثانیاً، معتقد است که مقابله با آن باید سرکوبگرانه و یا همچون جراحی، جدی سریع و تهاجمی باشد.

۳-۱-۲. نگاه همدلانه

دسته دوم به این پدیده، با نگاهی همدلانه تر برخورد می‌کنند. امروزه اغلب تحلیل‌گران جزء این دسته هستند. دست کم سه هزار پژوهش در خصوص هزاره باوری در قرن بیستم چاپ شده است که اغلب مقدمه‌ای همدلانه دارند؛ به طور مثال :

«هزاره‌گرایی» کنایه از یک پرچم است که خشمگینانه بر فراز باتلاق‌های بی‌عدالتی به اهتزاز در آمده است.

چنین تفسیری توسط نهضت‌های روشنگری فرانسه و آلمان تدوین و بعدها به وسیله لیبرال‌های (آزادی خواهان) قرن نوزدهم تقویت و تکمیل گردید (Schwartz: ibid).

۱. Simon Kimbango

۲. Maji Maji

۳. Rastafarian

۴. رجوع شود به دائرة المعارف دین، مدخل millenarianism، نوشته Schwartz.

در این نگاه دیگر جنبش‌های هزاره‌گرا ذاتا منفی و ناخوشایند نیستند، بلکه به عکس زنگ خطری هستند که بی‌عدالتی و فساد در جامعه را یادآوری می‌کند. به عبارت دیگر، این جنبش‌ها علامت بیماری جامعه است، نه این‌که خود یک بیماری باشد و بالطبع راه مواجهه با آن را از بین بردن و خشکاندن ظلم و بی‌عدالتی و فساد در جامعه می‌داند.

۲-۳. رویکرد معنوی

در مقابل نگاه سکولار، نوعی تحلیل‌های معنوی نسبت به مسئله وجود دارد که از رویکردی اسطوره‌ای و متافیزیکی نشأت می‌گیرد. در چنین تحلیل‌هایی، دیگر هزاره‌گرایی مسئله‌ای مربوط به یک بحران اجتماعی در مقطع خاص و یا یک مسئله‌ای تاریخی محض نیست؛ بلکه مقوله‌ای است مرتبط با فلسفه آفرینش، هستی، موضوع هبوط انسان و تحولات و نحوه مواجهه آدم با عالم. در واقع، در این تفسیر، یوتویپای موعود، امری این جهانی است که زمانی اتفاق می‌افتد؛ دوره‌ای از آفرینش است که رخ خواهد داد و این در ذات و کیان هستی نهفته شده و با فطرت بشری در آمیخته است. این مواجهه بیش‌تر، جنبه کلامی و عرفانی دارد که مورد توجه الاهی‌دانان و دانشمندان علم کلام بوده است.

نگاه معنوی برای اثبات دیدگاه‌ها و باورهای خود، روش‌ها و منابعی دارد. یکی از این منابع، متون مقدس دینی است که بر وحی مبتنی است. منبع معرفتی دیگر، عقل است.

بنابراین، اگر در اندیشه کسی که به تحلیل مسائل سیاسی اجتماعی می‌پردازد، اعتقاد و توجه به وحی و منابع دینی و براهین عقلی وجود داشته باشد؛ ناگزیر تحلیل‌ها و تئوری‌هایی که ارائه می‌کند، با اعتقادات و باورهای وحیانی متناسب خواهد بود.

بر این اساس، در جوامعی که زمینه‌های حضور معنویت دیده نشده، نباید انتظار ظهور مدعیان دروغین را داشت؛ چرا که این مدعیان در عین حال که خطرند، نوید نیز هستند؛ نوید از حقیقتی که در عالم وجود دارد و جوامع ایمانی منتظر آن هستند و البته عده‌ای به دنبال سوء استفاده از این حقیقت‌اند.

۴. شاخصه های جریان های هزاره گرا

تعاریف مختلفی از هزاره گرایی مطرح شده است و هر کدام با توجه به نگاه خود به ویژگی خاصی تاکید کرده است.

فرهنگ لغت «ملنیوم» (millenarian) را این گونه معنا کرده است: کسی که بر سرانجام شادی و راستی حکومت بر جهان معتقد است (معتقد به سرانجام نیک).

دانشنامه دین سعی می کند با دقت بیش تری هزاره باوری را توصیف کند:

هزاره باوری عقیده ای، مبنی بر نزدیک بودن پایان جهان است و به دنبال آن

(پایان) دنیای جدید که بی نهایت بارور (خوب)، هماهنگ، مقدس، عادلانه و به حق

است؛ پدیدار می شود^۱

در این تعریف بر دو نکته تأکید شده است: نزدیک بودن پایان جهان؛ جهانی مملو از ظلم ها و سختی ها و دیگر، آغاز جهانی است نو و سرشار از رفاه، امنیت، هارمونی و قدوسیت.

به اعتقاد نگارنده، اگر توجه و تأکید بیش تر بر روی عامل اول، یعنی پایان جهان باشد، این رویکرد، گویای آن است است که رویکرد جنبش، آماده وقایع هولناک و اتفاقات مصیبت بار آخرالزمان است و چنانچه توجه به عامل دوم، یعنی دنیای جدید با توصیفات خوب و فوق العاده باشد، این حرکت بیش تر در اندیشه آرمان شهر و یوتوپیای خود است.

بنابراین، مهم ترین و اصلی ترین شاخصه های هزاره گرایان، اول نارضایتی از وضع موجود است و دوم اعتقاد به وقوع دوره ای از جهان که عدالت، صلح و رفاه در آن فراگیر می شود؛ به گونه ای که جهان موعود را همراه ویژگی های خارق العاده توصیف می کنند؛ مثل توصیفی که از ثمردهی درختان در کتاب مقدس بیان شده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ص ۲۳۸). در عین حال، در چگونگی ساختن و سازوکار جهان موعود ابهام دارند؛ چرا که ایشان خود را متکفل ساخت جهان جدید نمی دانند و معتقدند این اتفاق به دست منجی موعود صورت خواهد گرفت.

تالمون (۱۹۶۶) در تعریف هزاره گرایان می گوید:

۱. رجوع شود به دائرة المعارف دین، مدخل millenarianism، نوشته Schwartz.

جنبش‌هایی مذهبی‌اند که رستگاری قریب الوقوع، همه جانبه، غایی، این جهانی و همگانی را انتظار می‌کشند» (همیلتون، ۱۳۹۲: ص ۱۵۴)

او در این تبیین، ۵ شاخصه را مورد تأکید قرار می‌دهد:

۴-۱. مذهبی بودن: پس به نوعی این جنبش‌ها در جامعه دینی شکل می‌گیرند؛ یعنی ایمان یکی از شاخصه‌های این جنبش‌هاست، اساساً جنبش‌های هزاره‌گرا یکی از جنبش‌های بسیار مهم دینی است که می‌تواند تعداد زیادی از مؤمنان را بسیج کند.

۴-۲. متضمن رستگاری قریب الوقوع: به عبارت دیگر، تحول و پایان نظم کنونی و آغاز نظم متعالی جدید را نزدیک می‌دانند و غالباً تصور می‌شود این تحول، در ادامه اتفاق و حادثه‌ای بزرگ رخ می‌دهد که نظم کنونی جهان را نابود می‌کند.

۴-۳. همه جانبه بودن: این تحول تک بعدی یا چند بعدی نیست؛ بلکه در نتیجه این تحول، جهان کاملی صورت می‌بندد که در آن، مردان و زنان از همه رنج‌ها و سختی‌ها رهایی خواهند یافت.

۴-۴. غایی و این جهانی بودن: رستگاری و تعالی در این دنیای مادی است، نه در فرای این جهان. همچنین اشاره می‌کند این جهان موعود دوران نهایی و غایی است و دیگر تغییر و تحولی را شاهد نخواهیم بود؛ چراکه همه اهداف و آرزوهای بشر در آن تحقق می‌یابد.

۴-۵. همگانی بودن: این رستگاری و نجات فردی نبوده و ویژه فرد یا گروهی خاص نیست و بشارت آن به کل جامعه یا گروه داده شده است.

دو شاخصه مهم دیگر که باید به آن اشاره کرد:

ابتدا این که نقش شخصیت رهبری در این جنبش‌ها بسیار برجسته است؛ چراکه رهبری در این جنبش‌ها کارزماتیک است.

شاخصه دیگر این که هزاره باوران، در برابر وجود شرایط ناگوار و نابسامان فعلی احساس گناه یا مسئولیت دارند. آن‌ها خود را در وجود این وضعیت ناگوار سهیم می‌دانند. به عنوان نمونه در فرهنگ اسلامی، علت غیبت منجی موعود، گناهان و کم‌کاری مومنان بیان شده است (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۳۴۳ و طبسی، ۱۳۸۱: ص ۲۲۹ - ۲۶۰).

۵. گونه شناسی هزاره باوری

براساس دو رویکردی که مطرح شد، می‌توان گونه شناسی‌ها را در دو دسته کلی - سکولار و معنوی - تقسیم کرد. البته خواهیم دید در برخی موارد، گونه‌هایی که مطرح می‌شوند، به رغم این‌که در دو دسته متفاوت قرار دارند، حاکی از یک حقیقت هستند و این تشابه گویای آن است که نوع موعودی که مورد اعتقاد است، بر نحوه حرکت و تعامل جنبش‌های هزاره‌گرا تاثیر به‌سزایی گذاشته است، تا آن‌جا که باور به گونه خاصی از موعود، موجب جنبش اجتماعی خاص و متفاوت از دیگر جنبش‌ها شده که در خلال بیان گونه‌ها به آن اشاره می‌کنیم.

۵-۱. گونه شناسی با رویکرد سکولار

دانشمندان علوم اجتماعی نیز با رویکردهای متفاوت تقسیم‌بندی‌هایی انجام داده‌اند.

۵-۱-۱. دایره المعارف دین

در این بخش به دو نمونه از این تقسیم‌بندی و گونه شناسی پرداخته و تحلیلی ارائه خواهیم کرد.

آقای شوارتز در دایره‌المعارف دین انواع هزاره‌باوران را این‌گونه بیان می‌کند:

گونه‌شناسان جدید، این پدیده را از سه زاویه مقوله‌بندی کرده‌اند: دنیانگر، نجات-شناسانه، اجتماعی - سیاسی:

۵-۱-۱-۱. دنیانگر: گونه‌شناسانی که از این منظر به جنبش‌های هزاره‌ای نگریده‌اند، این پدیده را دارای سه گونه متمایز می‌دانند:

الف) جنبش‌هایی که درصدد بازسازی ساختار اجتماعی پیشین هستند. به عبارت دیگر، در پی احیای عصر طلایی هستند که در تاریخ‌شان از آن یاد شده است.

ب) جنبش‌هایی که سودای تغییرات صلح‌آمیز را می‌پرورانند و فرهنگ پذیر، تطابقی، ابدگرا، احیاگر، اصلاح طلب نامیده می‌شوند.

ج) جنبش‌هایی که درصدد ایجاد جامعه آرمانی در آینده هستند و منجی‌گرا یا آرمان‌شهری نامیده می‌شوند.



۱-۱-۲. نجات شناسانه: در این نحوه گونه‌شناسی، نهضت‌های هزاره‌ای روی طیفی پیوسته قرار می‌گیرند که در یک طرف طیف جنبش‌هایی قرار دارند که کاملاً به دنبال رستگاری فردی هستند (بهبودی طلب، مجدد و کرامت‌گرا)؛ و در سوی دیگر، جنبش‌هایی با هدف فلاح اجتماعی و بازسازی اقتصاد و اخلاق قرار دارند (دگردیس و انقلابی).

۱-۱-۳. اجتماعی - سیاسی: در این گونه‌شناسی نیز جنبش هزاره‌گرا روی پیوستاری هستند که از انزوگرایی کامل شروع می‌شود و با هجوم جمعی به دولت پایان می‌یابد. این گونه‌شناسی که به استفاده از واژگان دو وجهی برای تمایز میان گونه‌های متضادی از انواع هزاره‌گرایی تمایل دارد؛ به نظر می‌رسد از جنبه‌های شعاری خالی نباشد. اصطلاحاتی مانند «ارتجاعی - مترقی»، «منفعل - فعال»، «ماقبل سیاسی - سیاسی»؛ «اسطوره‌ای - ایدئولوژیک»؛ از خصایص این گونه‌شناسی است.

شوارتز در ادامه خود گونه‌شناسی‌ها را نیز در دو گروه «پیشگیرانه» و «سودجویانه» دسته‌بندی کرد و البته بیش‌تر نظریات گونه‌شناسی به منظور پیشگیری تدوین می‌شوند. گروه اول که خصلتی بازدارنده دارند؛ این جنبش‌ها را مذموم می‌دانند، تلاش بر آن دارند که انقلابیگری موعودی را در زمره آن دسته از رفتار جمعی قرار دهند که باید محدود و ممنوع گردد.

برای مثال، برخی از دانشمندان علوم سیاسی امیدوارند از ظهور حکومت‌هایی با رهبران کاریزماتیک (که آن را جزء لاینفک جنبش‌های هزاره‌گرایی می‌دانند) جلوگیری کنند. یا مردم شناسان را می‌توان دید که امیدوارند مقامات حکومتی را متقاعد کنند تا آنان با نهضت‌های هزاره‌باور، معقولانه‌تر رفتار کنند و خشونت کم‌تری نشان دهند. همچنین مسیونرهایی (هیأت‌های تبلیغی) را می‌توان دید که از رشد بی‌رویه و قارچ‌گونه هزاره‌گرایی انقلابی، خارج از سلطه کلیسا می‌ترسند.

گروه دوم از گونه‌شناسی‌ها، گونه‌شناسی مارکسیستی و کاپیتالیستی (سودجویانه) است که به شکلی مشابه، هزاره‌گرایان را پله اول از نردبانی تاریخی می‌دانند که بالقوه استعداد آن را دارند که به سمت آزادی خواهی ملی و سوسیالیسم یا صنعت‌گرایی مدرن و الیگوپولی (انحصار اقتصادی چند جانبه صاحبان نفوذ) تکامل یابند (Schwartz, 1987: p, 132-157).

۲-۱-۵ دانشنامه بریتانیکا

در مدخل مسیح‌گرایی دانشنامه بریتانیکا تلاش شده تا گونه‌شناسی جامعی از این اندیشه به دست دهد؛ که به طور فشرده در اینجا عرضه می‌گردد:

یکی از اشکال مسیح‌گرایی، نوع انقلابی و اتوپایی آن است که به دنبال برپایی فردوس نو و ارض نو بوده، انتظار ظهور یک دولت رادیکال با خصلت ضد سنت را دارد. طرفداران این نوع مسیح‌گرایی علیه قوانین مذهبی و اخلاقی موجود و به منظور تخریب سمبل‌ها و تابوهای فرهنگ سنتی بسیج شده و این، به آن معنی است که زمان کهن گذشته و عصر نوینی آغاز شده است.

برعکس، بعضی از موعودگرایان فوق العاده محافظه کار هستند و با تقویت تعصبات سنتی و تشریفاتی، سخت‌گیری‌های ریاضت‌کشانه و دیسپلین‌های تائبانه را برای آن که لایق درک دولت موعود شوند؛ تجویز می‌کنند.

از این زاویه می‌توان اندیشه موعودی را به دو دسته «خوفی» و «رجایی»^۱ تقسیم کرد. دسته اول به طور مفرطی قانونی عمل می‌کنند؛ اما دسته دوم اباحی مسلک و قانون شکن‌اند.

از زاویه دیگر می‌توان مسیح‌گرایی را به دو نوع «فعال» و «منفعل» تقسیم کرد. از این منظر، موعودگرایی منفعل خصلتی ماقبل تقدیری دارد و اعتقادی به این ندارد که انقلاب را باید ساخت و تنها آمادگی برای ظهور را تجویز می‌کند. اما نوع فعال آن، مبارزه‌جو و تهاجمی است و معتقدان به آن، خود را ابزار و نشانه‌های نظم نوین می‌دانند. در تقسیم بندی دیگری، مسیح‌گرایی «کوتاه‌برد» را داریم که ظهور را خیلی نزدیک می‌بیند و در مقابل مسیح‌گرایی «دوربرد» قرار دارد که بیش‌تر نوعی باور و دکترین و دارای تعصباتی کم‌رنگ است که ظهور را در افق بسیار دوری می‌بیند و لذا جوشش و تحرکی ندارد. البته احتمال تبدیل مسیح‌گرایی کوتاه‌برد به علت شکست‌ها و ناکامی‌ها به مسیح‌گرایی دوربرد، وجود دارد.

در تقسیم بندی دیگری می‌توان اندیشه‌های موعودی را به دو دسته «خاص» و

۱. معادل antinomian و hypernomian است که اولی به معنی اطاعت خائفانه از قوانین است و دومی تساهل و مداهنه در شریعت به امید رحمت پروردگار معنی می‌دهد (مثل عقاید مرجئه).

«عام» منقسم کرد. در اولی قرار است یک نژاد یا یک مذهب خاص که قوم برگزیده خدا هستند، به رستگاری برسند؛ اما در دومی نوع بشر، سعادت‌مند خواهد شد (حجاریان، ۱۳۷۳: ص ۹۲).

۲-۵. گونه‌شناسی با رویکرد معنوی

از آن‌جا که هزاره‌گرایی به موعودباوری معطوف است، باید گونه‌شناسی موعود را مورد توجه قرار دهیم؛ چرا که موعودباوری در همه ادیان یک شکل نیست، بلکه حتی در درون یک دین با صورت‌های گوناگونی از این اندیشه رو به رو هستیم. البته باید توجه داشت که باور به موعود، الزاماً نباید با جنبش‌های هزاره‌گرا یکی گرفته شود. هزاره‌گرایی ناظر بر دو امر متفاوت است: از یک سو، شامل باورها است و از سوی دیگر ناظر بر جنبش‌های اجتماعی. باورها، صرفاً تحت شرایطی منجر به جنبش می‌شوند و هیچ اتوماتیسمی برای تبدیل باور به جنبش هزاره وجود ندارد. همچنین باید به این پرسش که در اذهان به وجود می‌آید، پاسخ داده شود که بین انواع موعود باوری و انواع هزاره‌گرایی چه ارتباطی وجود دارد؟

کتاب «گونه‌شناسی منجی موعود در ادیان»، به بیان گونه‌های مختلف از موعود پرداخته است که با بهره‌گیری از آن، به تحلیل موضوع و همچنین پاسخ پرسش مذکور می‌پردازیم.

موعود اندیشی در ادیان مختلف با ملاحظاتی به گونه‌های متفاوت تقسیم می‌گردد. برخی از این ملاحظات عبارتند از: ماهیت موعود، ماهیت وعده، رسالت معنوی یا اجتماعی موعود، دامنه جغرافیایی و جمعیتی رسالت وی، آرمان موعود، نقش کیهان شناختی منجی موعود و نحوه تاریخی نجات موعود.

۲-۵-۱. تنوعات موعود باوری به ملاحظه ماهیت امر موعود

موعود شخصی و غیرشخصی: در وهله نخست، موعود ادیان مختلف را از لحاظ نحوه وجود به دو گونه می‌یابیم: موعودی شخصی (بشری) یا غیر شخصی. به عبارت دیگر، آنچه وعده داده شده، ممکن است آمدن یک بشر بوده باشد، یا وقوع امری، همچون وضعیتی سیاسی، اجتماعی، معنوی یا کیهانی. در فرض اول «موعودی

شخصی» و در فرض دوم «موعودی غیرشخصی» شکل می‌گیرد.

- موعودهای بشری را نیز می‌توان دو گونه تقسیم کرد:

۲-۵-۲-۱. منجی موعود متعین (خاص): در برخی از ادیان، منجی موعود را به صورت انسانی خاص با مشخصات فردی منحصر به فرد می‌یابیم؛ به گونه‌ای که گاهی حتی زمان و مکان تولد وی را معلوم کرده‌اند. این‌گونه موعودها را می‌توان موعود «متعین» یا «موردخاص» نامید.

۲-۵-۲-۱-۲. منجی موعود نامتعین: در برخی دیگر، موعود را صرفاً با صفات و ویژگی‌هایی معرفی کرده‌اند. بدین سان صفت موعود بر هر کسی که آن ویژگی‌ها را داشته باشد، قابل اطلاق است. این‌گونه منجی موعود را می‌شود «موعود نامتعین» یا «موعود نوعی» نام نهاد.

موعودهای متعین به ملاحظه وضعیت پیش از تحقق وعده لااقل سه گونه‌اند:

الف) موعودهایی که متولد نشده و در آینده به دنیا می‌آیند؛

ب) موعودهایی که متولد شده و از دنیا رفته‌اند و پس از رحلت رجعت می‌کنند؛ مانند عیسی ناصری (مسیحا) در مسیحیت؛

ج) موعودهایی که متولد شده‌اند؛ ولی در پرده غیبت نهان‌اند و پس از آن ظهور می‌کنند؛ مانند مهدی علیه السلام در منظر عموم شیعیان دوازده امامی (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ص ۲۰).

در میان اندیشه‌های موعودباوری که موعودشان نامتعین هستند، زمینه برای کسانی که ادعاهای منجی‌گرایانه داشته باشند، بیش‌تر فراهم است و به تبع، بستر مناسب برای پیدایش فرقه‌ها و جنبش‌های هزاره‌گرا ایجاد می‌گردد؛ چرا که در این اندیشه، منجی با صفات کلی شناخته می‌شوند و همین کلی‌گویی بستری مناسب برای افراد مدعی و سودجو می‌باشد. البته در اندیشه‌های موعودباورانه متعین نیز فرقه‌ها و جنبش‌های هزاره‌گرا رشد می‌کنند؛ ولی زمینه برای پیدایش و رشد این افراد محدودتر است.

همچنین در مورد گونه موعودباورانه «جامعه پیش از تحقق وعده»، باید گفت، زمینه نهضت‌های هزاره‌گرایی که رهبر آن ادعای منجی موعود بودن داشته باشد، و نه این‌که خود را زمینه ساز موعود بداند؛ بیش‌تر در جوامعی فراهم است که معتقدند موعود آن‌ها

در آینده متولد می شود؛ چرا که ادعای این که شخصی به عمر طولانی و این که سال های دور به دنیا آمده، قائل باشد؛ معمولاً پذیرفته نمی شود. به همین دلیل، در فرقه های مسیحیت و فرقه هایی با منشا شیعی که منجی شان از این گونه است، ادعای «زمینه ساز بودن» بیش تر مطرح بوده است. به عنوان نمونه می توان به جریان احمدالحسن در جامعه شیعی و مورمون ها در جامعه مسیحیت اشاره کرد. ولی در اعتقاد اهل سنت که تولد منجی را در آینده می دانند، ادعای «مهدویت و منجی» پررنگ تر است. مهدی سودانی یا غلام احمد قادیانی خود را زمینه ساز منجی موعود نمی دانستند، بلکه ادعای منجی بودن داشتند.

۲-۲-۵. انواع موعود باوری به لحاظ کارکرد منجی موعود

۱-۲-۲-۵. موعود نجات بخش فردی: موعودهایی که نجات بخشی آنان صرفاً به طور فردی صورت می گیرد و هیچ تحرک یا تحول جمعی را به آن نسبت نمی دهند و عمدتاً به نجات معنوی راهبردارند.

۲-۲-۲-۵. موعود نجات بخش جمعی: دسته ای که نجات بخشی آنان در سطح گسترده عمومی، با حرکتی جمعی صورت می گیرد. این نوع، بیش ترین موعودهای ادیان را تشکیل می دهند (همان: ص ۲۲).

مشابه این تقسیم بندی، در گونه شناسی دانشمندان علوم اجتماعی تحت عنوان «نجات شناسانه» مطرح شده است.

در آن جا اشاره شد که گونه نخست در یک طرف طیف قرار دارد و تقریباً در چنین بستری جنبش های هزاره گرا شکل نمی گیرد و در طرف دیگر طیف، گونه دوم قرار دارد که بستری مناسب برای تشکیل این جنبش ها می باشد.

۳-۲-۵. انواع موعودباوری با نگاه به نوع رسالت معنوی یا اجتماعی موعود

با نگاه به نوع «رسالت معنوی» یا «رسالت اجتماعی» موعودهای ادیان، ملاحظه می شود که ایشان از این حیث سه گونه اند:

۱-۳-۲-۵. موعودهایی که عمدتاً در پی عدل، امن و رفاه اند و یا سروری، آزادی و استقلال اجتماعی و ملی انسان ها را نوید می دهند. رهاندگی این گروه موعودها، عمدتاً اجتماعی است.

۲-۳-۲-۵. موعودهایی که هم دارای رسالتی معنوی اند و هم اجتماعی. موعودهای هندو، زرتشتی و شیعه دوازده امامی از این قبیل است. نجات بخشی این گونه موعودها، معمولاً در طول نجات معنوی آنها و در واقع مقدمه ای برای تحقق اهداف معنوی است.

۳-۲-۵. موعودهایی که به نجات معنوی صرف راهبرد دارند (همان: ص ۲۳). اگر از دیدگاه رسالت منجی به گونه‌های موعود نگاه کنیم، در می‌یابیم در جامعه موعودباوری که رسالت موعود را صرفاً نجات معنوی می‌دانند، زمینه و انگیزه پیدایش نهضت‌های هزاره‌گرا وجود ندارد؛ چرا که موعود وظیفه اجتماعی و اصلاح جامعه را نداشته و وظیفه نجات بخشی را منحصر در جنبه معنوی و شخصی می‌دانند. در این حالت بدیهی است حرکت اجتماعی معنایی ندارد.

۴-۲-۵. انواع موعودباوری به لحاظ دامنه جغرافیایی و جمعیتی رسالت منجی

تنوعات موعودباوری به لحاظ فراگیری و دامنه جغرافیایی و جمعیتی رسالت منجی موعود، سه گونه‌اند:

۱-۴-۲-۵. قوم مدار: در برخی اندیشه‌ها، آرمان منجی موعود، تنها سروری یا استقلال قوم و ملت خاصی است و اگر هم نوید بخش عدل، امن و رفاه برای همه مردم جهان باشد؛ آن را زیر لوای سروری قوم خاصی می‌خواهد. موعودباوری یهود از همین گونه است.

۲-۴-۲-۵. منطقه‌ای: اعتقاد به رسالتی منطقه‌ای برای منجی موعود خویش دارند. موعودباوری برخی اهل سنت از این قبیل است.

۳-۴-۲-۵. جهان شمول: موعود اندیشی بسیاری از ادیان بزرگ جهان، بر رسالتی جهانی و فراقومی برای منجی موعود، مبتنی است. موعودباوری مسیحی، آیین هندو و بودا نمونه بارز آن می‌باشند (همان: ص ۲۸).

به این زاویه تقسیم بندی در گونه شناسی دانشنامه بریتانیکا تحت عنوان «جنبش خاص و عام» اشاره شد.



۵-۲-۵. انواع موعودباوری به لحاظ زمان ظهور موعود

۵-۲-۵-۱. دارای موعود پایانی: موعودباورانی که آمدن منجی موعودشان را، در پایان عالم نوید می‌دهند؛ مثل موعود باوری شیعه دوازده امامی، زرتشتی، بودایی.

۵-۲-۵-۲. دارای موعود مقطعی: عده‌ای معتقدند، در هر مقطع از زمان، مثلاً رأس هر هزاره یا سده منجی ظهور می‌کند. دیدگاه برخی متفکران اهل سنت که به مجدد رأس هر صد سال قائل هستند؛ ازین نوع می‌باشد (همان: ص ۲۹).

به طبع موعودباوری مقطعی، برای بروز جنبش‌های هزاره زمینه مناسب‌تری دارد؛ چرا که توجیه افکار جامعه برای پذیرش این‌که پایان جهان همین زمان حاضر است؛ به مراتب مشکل‌تر است.

ناگفته نماند آرمان‌ها و باورهای موعودی دیگر نیز می‌توان در نظر گرفت؛ همچون آرمان برقراری نظم برتر اجتماعی یا حکومت واحد جهانی این‌ها تعابیری است که در نهضت‌های هزاره‌گرا در چند قرن اخیر می‌توان بررسی کرد.

۶. زمینه‌ها و بسترهای هزاره گرایی

در این بخش نیز دو رویکرد «سکولار» و «معنوی» را می‌توان مورد توجه قرار داد:

۶-۱. رویکرد سکولار

از نگاه جامعه‌شناسی می‌توان زمینه‌های بروز جنبش‌های هزاره‌گرا را این‌گونه توضیح داد: معمولاً جنبش‌های هزاره‌گرا در شرایط بحران‌های عمیق اقتصادی اجتماعی و سیاسی فعال می‌شوند.

در کنار این شرایط، حضور یک شخصیت کاریزماتیک به عنوان عامل تعیین‌کننده، زمینه نسبتاً کاملی برای پیدایش این جنبش‌ها فراهم می‌آورد.

شش عامل دیگر نیز وجود دارد که حضور آن‌ها شرایط را برای نهضت‌های هزاره‌باور آماده می‌کند:

الف) اجتماعات روحانی و مذهبی که نسبت به پذیرش افراد و گروه‌های دیگر، پذیرش و استقبال خوبی دارند و انجمن‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد که وفاداری و حس همبستگی را به خارج از خانواده نیز گسترش می‌دهند.

ب) وجود سخنرانی سیار که به مثابه آزیتاتور می تواند شعائر و شایعات را در منطقه وسیعی پخش کنند.

ج) سنت‌های اسطوره‌ای - شاعرانه در نمایش‌ها و قصه‌های عامیانه که تاریخ را ماورایی تفسیر می‌کنند و مردم را حاملان این مسولیت و پیام‌های سترگ و معنوی می‌دانند (و جماعتی که حاملین این نوع کهانت هستند).

د) عدد شناسی (طالع بینی) و اختر بینی (طالع بینی ستارگان) که مردم را ترغیب می‌کند و این عادت را در مردم به وجود می‌آورد که به دنبال روابطی بین عدد، اتفاق و وقایع نجومی و زمان جست‌وجو کنند و بیابند.

ه) وجود شعایر و سنت‌های بدعت آلود، مانند کارناوال‌ها یا سوگواری‌های پرتشریفات که آغازها و پایان‌ها، آگاهانه نامشخص و آشفته است.

و) وجود اسطوره‌های مهاجرت که به بازگشت به سرزمین نیاکان فرا می‌خواند.^۱

۲-۶. رویکرد معنوی

اما از نگاه اعتقادی و معنوی، می‌توان گونه‌هایی از موعودباوری را بستری مناسب برای بروز جنبش‌های هزاره‌گرا دانست که در بحث گونه شناسی به طور پراکنده بیان شد؛ مثل اعتقاد به منجی بشری نامتعیین، موعود نجات بخش جمعی، موعودهای مقطعی و موعودهایی که رسالتشان نجات اجتماعی است.

نتیجه‌گیری

نتیجه آنچه گفته شد، این است که هزاره‌گرایی (millenarianism) به معنای اعتقاد به پایان قریب الوقوع نظام کنونی دنیا و پدیدار شدن حکومتی در غایت خوبی، هماهنگی و عدالت در جهان؛ پدیده‌ای است اجتماعی با اصالت و ریشه‌های ایمانی و معنوی. اگرچه اغلب در بسترهایی اجتماعی خاص مثل فقر و ظلم خود را نمایان می‌کند؛ باید توجه داشت اولاً، این زمینه‌هایی اجتماعی باعث ساده اندیشی نشده و این نهضت‌ها یک پدیده اجتماعی صرف انگاشته نگردد و ثانیاً، اگر در تحلیل‌ها به نوع و ماهیت موعود



۱. رجوع شود به دائرة المعارف دین مدخل millenarianism، نوشته Schwartz.

مورد انتظار جامعه توجه نشود مسلما نخواهیم توانست به نتیجه‌ای صحیح و قابل اعتماد دست پیدا کنیم. نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد این که هزاره باوری، در مقابل بدبینی مدرن قرار دارد که این بدبینی‌ها طرح‌های انهدام جهانی را ترسیم می‌کنند. در انتها، یادآوری می‌شود این مقاله می‌تواند بستر و زمینه‌ای مناسب برای بررسی جنبش‌های هزاره‌ای در ادیان، مخصوصا اسلام و مسیحیت باشد.

منابع

۱. تیسن، هنری (بی‌تا). *الهیات مسیحی*، ترجمه طه میکائیلیان، تهران، حیات ابدی.
۲. حجاریان، سعید (۱۳۷۳). *موعودیت در انقلاب روسیه و انقلاب اسلامی ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران .
۴. راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۱). *نجات بخشی در ادیان*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۵. طبسی، نجم‌الدین (تابستان ۱۳۸۱). *دلایل غیبت حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه روایات*، انتظار موعود، شماره ۴، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
۶. کتاب مقدس.
۷. کلباسی اشتری، حسین (۱۳۸۸). *هزاره‌گرایی در سنت مسیحی*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۲ق). *الکافی*، تهران، اسلامیه.
۹. موحدیان عطار، جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸). *گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود*، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۰. همیلتون، ملکم (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، نشر ثالث.
11. Arjomand. Said. Amir (1993). Religion & the Diversity of Normative Orders, in: the political Dimensions of Religion edited by Arjomand. Albany. NY: SUNY.
12. Encyclopaedia Judaica (2007). Macmillan. USA.
13. Schwartz, Hilled (1987,). Millenarianism. In: Eliade (ed in Chief), the Encyclopedia of Religion, Macmillan Pub. N. Y.
14. the New Encyclopedia Britannica (1974). 15 th edition. New York, Oxford university press. .
15. Richard ,landes (2000). in eslam Richard.A. Encyclopedia of Millennialism, London, Rout ledge .

الألفية التوجهات والمسالك والأشكال

مهرا ب صادق نيا^١

سعيد توسلى خواه^٢

لقد لجأ الباحثون والمحققون في مختلف العلوم من قبيل العلماء الإلهيين وعلماء الاجتماع وعلماء النفس وعلماء معرفة الإنسان والعلوم السياسية الى دراسة «الألفية» والذي يأتي بمعنى الاعتقاد القريب بنهاية النظام العالمي الحالي وإيجاد حكومة تحكم في منتهى غاية الحسنات وتطبق فيها مدارات من الرقي الروحي والمعنوي وتحكيم مبادئ وقيم العدالة المطلقة وبالتالي خلاص الأرض والإنسان من مآسي إمتدت قرون طويلة ؛ باعتبار إن أول علاقة ومعلم للألفية هو عدم الرضا والسخط عن الوضع الراهن ومن ثم الاعتقاد الجازم بحدوث مرحلة وفترة يسود العالم العدالة والصلح والوئام والرفاه والسعادة. ومع إن هذا الإصطلاح يعود الى مرحلة قبل العصور القديمة ولكن نمو وتطور هذا المفهوم ومدوناته في زمن المسيحية وإستكمل موضوعيته ويشير الى مشروع وجود حكومة الألف سنة - الملكوت - الربانية على الأرض .

ويمكن وبشكل كلي دراسة الأنماط والأشكال الحاصلة بالنسبة الى الألفية وذلك في إتجاهين وهما الإتجاه «العلماني» والإتجاه « المعنوي» بالطبع فإن هناك تشابه في بعض الموارد على الرغم من وجود الإختلاف في الإتجاه والمنهج وهذا التشابه دليل على ثبوت حقيقة مفادها بان نوع الموعود الذي يُعتقد به قد وضع بصماته الواضحة على كيفية تفاعلات وإرهاصات الألفية .

المصطلحات المحورية: الألفية، المسيحية، الحركات الإنتظارية، الاعتقاد بالموعود، المنقذ.

سنة ١٣٩٥

سال شانزدهم / شماره ٥٢ / بهار ١٣٩٥

١٤١

١ . أستاذ مساعد في قسم الأديان الإبراهيمية في جامعة الأديان والمذاهب - قم المقدسة.

٢ . خريج مركز المهدوية التخصصي وطالب في مرحلة الدكتوراه لمدرسى العلوم والمعارف (الكاتب المسؤول).